

مغازه پدران - اگر پدرانشان کاسبکار و یا خرده تاجر بودند - می‌پرداختند، یا به اتکاء برگه تصدیق نامه‌ای که به آنان اعطا می‌شد تا از مزایای قانونی آن استفاده کنند، برای خود شغل دیگری انتخاب می‌کردند و در ادارات مختلف که آن روزها شدیداً به نیروی انسانی تازه نفس نیاز داشت، به ثباتی و ضباطی و سایر امور می‌پرداختند.

برنامه سیکل یا دوره اول متوسطه هم در همه مدارس متحدالشکل بود و درسها دنباله همان دروس دوره ابتدایی بود، به اضافه چند درس جدید که مهمترین آنها زبان خارجه بود.

از دریافت نامه‌ی پُر مهر و محبت شما بسیار سپاسگزار شدم. اظهار علاقه شما نسبت به شنیدن خاطرات من از دورانهای گذشته، مرا واداشت که با همه گرفتاریها نوشتار پیوست را، که نخستین قسمت این خاطرات است، از حافظه بر صفحه‌ی کاغذ بیاورم. باید از شما تشکر کنم که موجب شدید، من در این سنین یک بار دیگر با بال و پر اندیشه در آسمان کودکی‌های سرشار از شادمانی گذشته‌ام پرواز کنم، و یاد آن روزهای شیرین را در کنج غربت تلخ امروزی خود مزه مزه نمایم.

با احترام و ارادت، رضا شاپوریان

# شیراز از سالهای پیست

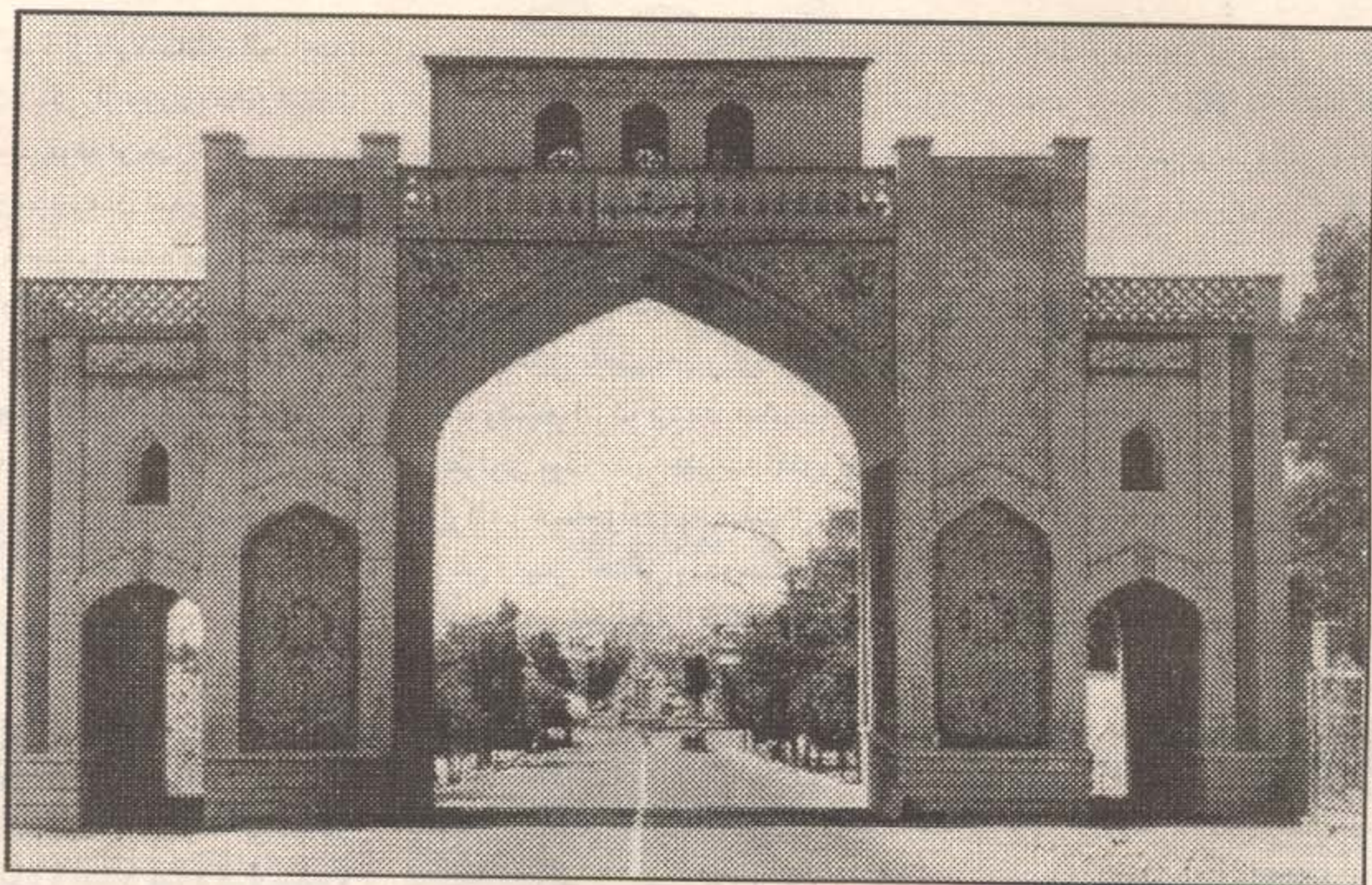
رضا شاپوریان

سال تحصیلی ۱۷ - ۱۳۱۶ شمسی سال شکوفایی فرهنگ فارس بود، زیرا در تابستان این سال بود که نخستین دسته از دبیران لیسانسیه فارغ التحصیل از دارالمعلمین عالی - دانشسرای عالی بعدی - که از نخبگان تحصیل کرده آن روز کشور بودند، از تهران راهی شهرستانها، و از جمله شیراز شدند و خون تازه‌ای در رگهای آموزش و پرورش مملکت جاری ساختند. در بین این گروه، که از معلمین سابق، با عنوان دبیر متمایز می‌شدند، هم افراد شیرازی بودند و هم غیر شیرازی. شیرازیان بیشتر دبیرانی بودند که از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی در رشته‌های ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافی، و زبان خارجه فارغ التحصیل شده بودند، و غیر شیرازیان که فارغ التحصیل رشته‌های ریاضی، علوم طبیعی، فیزیک، و شیمی دانشکده علوم بودند، با یکی دو استثنا. با ورود این افراد که همه جوانان تازه نفس، و با مقایسه با معلمین قبلی، جوانتر، تر و تمیزتر، و خوش پوش تر بودند، چهره کلی فرهنگ شیراز سر و صورت دیگری پیدا کرد. کلاسها از یکنواختی و کسالت دیرین بیرون آمد و

سخنانی تازه از حنجره‌هایی جوان و مستعد به گوش دانش آموزان مشتاق رسید. آموزش عمومی در آن سالها در سراسر کشور دارای سه مقطع تحصیلی مشخص بود: ابتدایی (تا کلاس ششم)، سیکل اول متوسطه (تا کلاس نهم) و سیکل دوم متوسطه (تا کلاس دوازدهم) و نهایتاً اخذ دیپلم کامل متوسطه، که به مثابه جواز قبولی ورود به دانشگاه بود، زیرا در آن ایام هنوز تعداد داوطلبان ورود به دانشگاه به حد نصابی نرسیده بود که نیاز به برگزاری کنکور باشد؛ حتی در دانشکده‌هایی از قبیل پزشکی، فنی، و حقوق. دوره ابتدایی، که در حکم سنگ شالوده بنای تحصیلات بعدی بود، با شرکت دانش آموزان در یک امتحان همگانی در سطح شهر، در خرداد ماه هر سال، پایان می‌یافت و پذیرفتگان در این امتحان یا به ادامه تحصیل می‌پرداختند و یا یک راست از پشت میز مدرسه جذب بازارهای کار می‌شدند؛ بازار کاری که توسط پدران برای فرزندان در نظر گرفته شده بود. به گفته دیگر اکثر آنان که علاقه‌ای به ادامه تحصیل نداشتند در دکان و

درسهای تازه دیگر هم عبارت بودند از: فیزیک، شیمی، جبر، مثلثات، تاریخ طبیعی، رسم فنی، نقاشی و... که در دوره ابتدایی تدریس نمی‌شدند. نقطه پایانی این دوره هم شرکت در یک امتحان سرتاسری بود که بار دیگر پذیرفته شدگان در آن غربال می‌شدند، عده‌ای در سیکل یا دوره دوم متوسطه ثبت نام می‌کردند، عده‌ای ترک تحصیل می‌نمودند، و عده‌ای هم یا جذب مدرسه نظام، که به تازگی در بیشتر مراکز ایالات از جمله شیراز افتتاح شده بود، می‌شدند، تا به کسوت سپاهیگری در آیند و پس از سه سال طی دوره آن، برای ادامه تحصیل به دانشکده افسری در تهران اعزام می‌گشتند تا پس از خاتمه دوره آن افسر شوند و یا به دانشسرای مقدماتی می‌رفتند تا پس از دو سال با گرفتن دیپلم مخصوص، آموزگار شوند و در مراکز استان یا در دبستانهای نوینادی که در شهرستانهای کوچک دیگر، که از بند ناف مراکز استان ارتزاق می‌کردند، به آموزگاری بپردازند. بعداً هم به تدریج دانشسراهای دیگر از جمله دانشسرای کشاورزی، دانشسرای عشایری، و دانشسرای تربیت بدنی تأسیس

شد، که این  
آخری فقط در  
تهران بود و  
معلم ورزش  
تربیت می‌کرد.  
سیکل دوم یا  
دوره دوم  
متوسطه هم که  
سه سال به طول  
می‌انجامید، دو  
رشته اصلی  
داشت: رشته  
علمی و رشته  
ادبی. در رشته  
علمی سنگینی  
بار درسها بیشتر  
بر روی مواد



به روز بر  
دامنه نفوذ و  
گسترش آن  
افزوده شد و  
با ورود  
سربازان  
مستفقین -  
انگلیس و  
آمریکا - به  
ایران به اوج  
رسید. در  
کنار تمام  
نهادهای  
آموزشی  
جدید که از  
آنها نام برده  
شد، در

ریاضی، فیزیک، شیمی، و طبیعی بود، با مقدار کمی دروس ادبی املاء و انشاء و قرائت فارسی و... در حالی که در رشته ادبی هسته مرکزی دروس، زبان و ادبیات پارسی، مختصری فلسفه و روان شناسی، تاریخ ادبیات، مختصری تاریخ و جغرافیا، عربی و زبان خارجه و... بود.

فارغ التحصیلان دوره علمی پس از گذراندن امتحانات نهائی سرتاسری اگر مایل به ادامه تحصیل بودند، می‌توانستند به یکی از دانشکده‌های پزشکی، دندان پزشکی، داروسازی، دامپزشکی، کشاورزی، و فنی، و یا رشته‌های علوم دانشکده علوم - فیزیک، شیمی، ریاضی، علوم طبیعی بروند و فارغ التحصیلان رشته ادبی اکثراً وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی می‌شدند و یا در دانشکده ادبیات که دارای پنج رشته مختلف بود: زبان و ادبیات فارسی، زبان خارجه، تاریخ و جغرافیا، فلسفه و علوم تربیتی، و باستان شناسی، ثبت نام می‌کردند. در جوار دانشکده علوم و دانشکده ادبیات هم، دانشسرای عالی وجود داشت که افرادی که مایل بودند دبیر شوند موادی با دروس دانشکده ادبیات به تحصیل دروس روان شناسی و آموزش و پرورش هم اقدام می‌کردند و مآلاً پس از

گذراندن امتحانات مربوطه با پایه دبیری به استخدام وزارت فرهنگ آن روز - آموزش و پرورش امروز - در می‌آمدند.

در آن ایام تنها مؤسسه تحصیلات عالی در کشور، دانشگاه تهران بود که امروز به عنوان «دانشگاه مادر» نام پُر افتخارش زینت بخش تاریخ نهادهای آموزش و پرورش عالی ایران است و همه فرهیختگان هم نسل نگارنده افتخار تحصیل در آن را داشته‌اند. این دانشگاه در سال ۱۳۱۳ به امر رضا شاه و کوشش خستگی ناپذیر شادروان علی اصغر حکمت شیرازی، که به حق می‌توان او را از فعالترین خدمتگزاران آموزش و پرورش جدید در ایران نامید تأسیس شد و نخستین کلنگ بنای ساختمان عظیم آن در زمینهای شمال تهران آن روز - نزدیک میدان جلالیه سابق - توسط شاه، که علاقه شدیدی به آموزش و پرورش نسل جوان داشت بر زمین زده شد. زبان خارجه‌ای هم که آن روزها در دوره‌های اول و دوم متوسطه تدریس می‌شد، فرانسه و انگلیسی بود که در اول به لحاظ نفوذ و تأثیر فرهنگ فرانسوی در تمام شئون کشور، زبان فرانسه مورد توجه بود ولی بعد از شروع جنگ دوم جهانی زبان انگلیسی جای آن را گرفت و روز

شیراز نهاد فرهنگی دیگری هم بود به نام هنرستان صنعتی که برای تربیت افراد فنی به امر شاه تأسیس شده بود و ابتدا اداره آن زیر نظر آلمانها بود و در نتیجه زبان خارجی آن هم آلمانی بود. شاید این هنرستان صنعتی که در بیشتر مراکز ولایات هم وجود داشت بعدها موجب تأسیس دانشکده فنی و دانشگاه علم و صنعت و انستیتو تکنولوژی و هنر سرای عالی و سایر مؤسسات فنی دیگر شد.

در سالهای پیش از شهریور بیست در کنار تعدادی بالنسبه زیادی مدارس ابتدایی که فقط شامل شش کلاس اول بود، و چند دبیرستان که هم دوره ابتدایی و هم دوره اول متوسطه را داشتند - از جمله مدرسه نمازی که از بهترین مدارس نمونه پسران آن عهد و زمان بود - تنها دو دبیرستان شاخص در شیراز وجود داشت که ویژه تحصیلات دوره اول و دوم متوسطه بودند. معروفترین این دو مدرسه، مدرسه شاهپور بود که گویا در سال ۱۳۱۰ ه.ش. تأسیس شده بود و نام آورترین مدرسه دولتی فارس بود که در تنها ساختمان خاصی که به منظور مدرسه ساخته شده بود، قرار داشت و رشته تحصیلی آن در دوره دوم منحصراً علمی بود. مدرسه دیگر مدرسه سلطانیه بود

باخت و داستان شوریدگی و شیفتگی او زبانزد خاص و عام شد. و بازار شعرگویی و نامه‌های عاشقانه نوشتن و سرمستی و شوریدگی، بویژه در بین دانش آموزان بزرگسال رواج پیدا کرد، که نتیجه سودمند آن به وجود آمدن شاعران و نویسندگان جوانی شد که همه شاگردان و دست پروردگان او بودند و با او در عشق نا کام شده‌اش دلسوزی داشتند و پا به پای او در آتشی که ماهپاره‌ی شیرازی در درون جوان مستعد برافروخته بود می‌سوختند و همدردی می‌کردند. گوشه‌ای از این همدردیهای بی‌شائبه به قلم محمد بهمن بگی در مقدمه کتاب «اشک معشوق» حمیدی بازتاب یافته است. از میان این شاگردان با استعداد می‌توان از فریدون توللی، محمد بهمن بیگی، رسول پرویزی، دکتر مهدی پرهام، که هر کدام به نوبه خود از نام آوران شدند، نام برد که ذکرش بیاید.

ادامه دارد

\* چون این یادداشتها تنها بر اساس حافظه بر صفحه کاغذ ثبت می‌شوند از صاحبزنان همسن و سال خود درخواست تصحیح و تکمیل آنها را دارم.

\* اوج رقابت فعالیت‌های فوق برنامه این دو مدرسه مقارن با برگزاری جشنهای هزاره فردوسی بود که نمایش «رستم و اشکبوس» توسط دانش آموزان دبیرستان سلطانی در صحن دبیرستان شاهپور به اجرا در آمد و مورد توجه همه اهالی شیراز گرفت.

\* دفتر هنر، شماره سوم، نوروز ۱۳۷۴، ویژه نامه صادق چوبک، ص ۱۶۱. در دوره‌ای که چوبک از آن یاد کرده است مدرسه سلطانی دوره ابتدایی داشته است که پس از آن بسته شد و فقط سیکل اول و دوم برایش باقی ماند.

بسیار با جریزه به نام حسام زاده بازارگاد، که از نزدیکان وزیر وقت معارف (فرهنگ) میرزا علی اصغر خان حکمت بود و امور پیشاهنگی فرهنگ استان را هم اداره می‌کرد. صادق چوبک در شرح حال خود می‌نویسد: «... در نیمه کلاس ششم ابتدایی مدرسه سلطانیه برای تحصیل به شبانه روزی کالج آمریکایی تهران رفتم. ترک کردن مدرسه سلطانیه اضطراری بود. مدیر مدرسه آقای بهاءالدین بازارگاد (حسام زاده) به علت این که من ورزش و پیش آهنگی را دوست نداشتم و در آن نام نویسی نکردم مراکتک زد...» \*

روزی که مسابقات ورزشی این دو دبیرستان در صحن بسیار وسیع مدرسه شاهپور انجام می‌شد، ما بچه‌های ده دوازده ساله که در مدرسه ابتدایی تحصیل می‌کردیم (مدرسه نمازی)، بزرگترین سرگرمی و شادی زندگی کودکانه خود را داشتیم ..... برای تشویق ورزشکاران این دو دبیرستان از ساعتها پیش در مدرسه شاهپور جمع می‌شدیم و با هورا و فریادهای شادی آنان را تشویق می‌کردیم بویژه اگر برادر بزرگترمان هم جزو تیمهای ورزشی دو مدرسه بود.

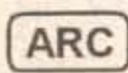
از میان دبیران ادبیات فارسی که در سال مورد بحث (سال تحصیلی ۱۷-۱۶) وارد شیراز شدند، یکی هم شادروان دکتر مهدی حمیدی شیرازی بود (ایشان در سال ۱۳۲۸ دکتر ادبیات پارسی شد)، که دیری نپایید دل به عشق زیبا رویی از شاگردان دختر خود - در دبیرستان مهر آئین که دبیرستان نمونه دختران پارس بود -

که نامش مأخوذ از نام «سلطان الحاجیه» صبیبه مشیرالملک، یکی از وزرای سابق ایالت فارس بود که از موقوفه او هم اداره می‌شد. مدرسه اخیر در ساختمان اندرونی حسینی مشهور مشیر تأسیس شده بود که دارای دوره‌های اول و دوم متوسطه بود و دوره دوم آن هم منحصراً رشته ادبی بود. این دو مدرسه در آن ایام در هر زمینه رقیب سرسخت یکدیگر بودند و دانش آموزان آنها از هر جهت با یکدیگر رقابت می‌کردند؛ چه در امور تحصیلی و چه در زمینه فعالیت‌های فوق برنامه، از قبیل ورزش، موسیقی، نقاشی، و پیشاهنگی.\*

در واقع این دو مؤسسه تربیتی، آن روزها، در حکم دانشگاههای آکسفورد و کمبریج شیراز بودند، که تمام نهادهای فرهنگی دیگر را تحت الشعاع نفوذ و اعتبار خود قرار داده و صاحب حاکمیت مطلق بودند. نه تنها دانش آموزان که بلکه مدیر و ناظم این دو مدرسه هم با یکدیگر رقابت و چشم و همچشمی عظیم داشتند. دبیرستان شاهپور که اگر حافظه‌ام درست یاری کند، آن روزها مدیریتش به عهده استاد احمد آرام بود که فردی خوشنام و منضبط و مورد علاقه و احترام دانش آموزان و دبیران و همکاران بود. ناظمی داشت به نام «زرافشان» که مدرسه را کاملاً قبضه کرده بود و نامش لرزه بر تن دانش آموزان تنبل و بیکاره می‌انداخت و دبیرستان شاهپور با آن عظمت را مثل موم در دست می‌چرخاند. در برابر آن دبیرستان سلطانیه هم مدیری داشت جدی و

## Retail & Whole Sale

کلید پروازی ارزان، آسان  
به اقصی نقاط جهان



**Illinois Office:**  
**Chicago**

773-274-3960  
1-800-900-8359

**Illinois Office:**  
**Evanston**

874-475-3096  
1-800-622-4886

**Michigan Office:**  
**Detroit**

248-569-2000  
1-800-755-4957

**Tennessee Office:**  
**Memphis**

901-683-3536  
1-800-686-6602

**Texas Office:**  
**Houston**

281-368-UFLY  
281-368-8359

Open 7 Days a Week

visit our website <http://www.airktravel.com>

e-mail: [info@airktravel.com](mailto:info@airktravel.com)

## A K Travel, Inc. DBA



## Consolidator for Major Air Lines

نماینده معتبر کلیه خطوط هوایی

Introducing Reward Program  
UFLY .....UEARN  
Call: 1-800-900-UFLY

A170-AKT